

سنجش درجه توسعه یافتگی استانهای کشور

با استفاده از تحلیل تاکسونومی

اثر: دکتر محمد رضا رضوانی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۴۵۹ تا ۴۷۴)

چکیده:

شناخت و تجزیه و تحلیل وضع مناطق در زمینه های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نخستین گام در فرایند ریزی توسعه منطقه ای است. با این کار تنگناها و محدودیتهای مناطق مشخص شده و می توان برای رفع آنها اقدام کرد. در این راستا شاخص ها و معرفیها می توانند وضع مناطق را در زمینه های نشان دهند. روشها و تکنیکهای مختلفی برای استفاده از شاخص ها و متغیرها در جهت شناخت وضع موجود مناطق وجود دارد که یکی از روشها تحلیل تاکسونومی است. با این روش می توان به درجه بندی و تعیین سطح توسعه اقدام کرد. در این پژوهش با استفاده از ۲۴ شاخص در زمینه های آموزش، ساختمان، بهداشت و درمان و ارتباطات وضعیت استانهای کشور از لحاظ میزان و درجه توسعه یافتگی مشخص نشده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد تفاوت های زیادی بین مناطق از لحاظ درجه توسعه یافتگی وجود دارد. در بخش های چهارگانه فوق استانهای گیلان، تهران، سمنان و یزد به ترتیب بالاترین و استانهای سیستان و بلوچستان (آموزش و مسکن)، اردبیل (بهداشت و درمان) و آذربایجان غربی (ارتباطات) کمترین میزان توسعه یافتگی را داشته اند.

واژه های کلیدی: توسعه، تحلیل تاکسونومی، ایران، شاخصهای توسعه.

این مقاله نتیجه یک طرح پژوهشی با همین عنوان می باشد که در سال ۱۳۷۹ با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در موسسه جغرافیا اجرا شده است.

مقدمه:

اهداف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع متعادل رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است، و یکی از مهمترین ویژگیهای مهم یک اقتصاد پویا و سالم، توزیع مناسب و عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان همه جمعیت یک ناحیه، منطقه یا کشور می‌باشد. توسعه منطقه‌ای نیز همراه با توسعه یکپارچه ملی به منظور نشاucht امکانات و توانهای منطقه‌ای و استفاده بهینه از آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رسیدن به اهداف فوق نیازمند تهیه و اجرای برنامه‌های جامع و یکپارچه توسعه است. در این راستا شناخت و تشخیص وضع موجود و تجزیه و تحلیل تنگناها و محدودیتها، امکانات و قابلیتها و درک کم و کیف نیازها و اولویتهای مربوط به آنها می‌تواند برنامه‌ریزان را در تدوین برنامه‌های مناسب و کارآمد یاری دهد.

روشهای کمی که از آنها بتوان برای شناخت و تجزیه و تحلیل وضع موجود مناطق و درجه‌بندی آنها از لحاظ توسعه یافتگی استفاده کرد در چند دهه اخیر توسعه یافته‌اند. اهمیت این روشها و تکنیکها در این است که با زبان ریاضی می‌توانند وضع موجود و روند تحول شاخصهای توسعه یافتگی را بطور دقیق نشان دهند. حداقل اینکه این روشها می‌توانند در تشخیص و تجزیه و تحلیل شرایط موجود مکمل روشهای کیفی باشند و برنامه‌ریزان را در این زمینه یاری دهند. یکی از روشها و تکنیکهای کمی مطرح در این زمینه تحلیل تاکسونومی^(۱) است که با استفاده از آن می‌توان با تلفیق شاخصهای مختلف وضع مناطق را از لحاظ درجه و سطح توسعه یافتگی به طور دقیق نشان داد. به همین دلیل در دهه‌های اخیر کشورهای جهان سوم با درک مشکلاتی نظیر فقدان نیروهای متخصص و کارآمد، عدم شناخت قابلیتها و امکانات و در نتیجه عدم استفاده بهینه از آنها، توزیع

نامناسب جمعیت، به برنامه‌های توجه و به مدلها و الگوی برنامه ریزی ناحیه‌ای از جمله تحلیل تاکسونومی گرایش داشته‌اند (شوهانی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۹). در این پژوهش با استفاده از ۲۴ شاخص در چهار بخش آموزش، مسکن، بهداشت و درمان، و ارتباطات به درجه‌بندی استانهای کشور از لحاظ سطح توسعه یافتگی و همچنین بررسی رابطه بین درجه توسعه یافتگی با سایر عوامل و در واقع به تحلیل مکانی و جغرافیایی توسعه پرداخته شده است.

۳- روش کار

روش بررسی در این پژوهش براساس مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است، لذا کتب، اسناد و مدارک معتبر در زمینه مباحث مورد نظر ابتدا شناسایی و سپس مورد مطالعه، بررسی و تحلیل محتوا قرار گرفت. با فیش برداری از اسناد و مدارک مربوط، مطالب لازم جمع‌آوری و پس از طبقه‌بندی، مورد تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی واقع گردید. به طور در این پژوهش برای درجه بندی استانهای کشور از لحاظ توسعه یافتگی ۲۴ شاخص در زمینه‌های مختلف استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز در مورد این شاخصها از اسناد و مدارک مرکز آمار ایران بویژه آمارنامه کشور و استانها، و نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن مربوط به سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ جمع‌آوری گردیده است. با استخراج و طبقه‌بندی این داده‌ها، مراحل تحلیل تاکسونومی به ترتیب بر روی آنها انجام گرفته است.

۴- سوابق مطالعاتی

تحلیل تاکسونومی برای اولین بار به وسیله آندرسون^(۱) در سال ۱۷۶۳ پیشنهاد گردید و در سال ۱۹۵۰ توسط عده‌ای از ریاضی دانان بسط داده شد. در سال ۱۹۶۸

به عنوان وسیله‌ای برای طبقه‌بندی درجه توسعه یافتگی ملل مختلف توسط پروفیسور هاگمونت هلویگ^(۱) از مدرسه عالی اقتصاد ورکلا^(۲) در یونسکو مطرح شد. این روش قادر است که یک مجموعه را به زیر مجموعه های کم و بیش همگن تقسیم کرده و مقیاسی برای شناخت درجه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مورد استفاده در امر برنامه ریزی باشد ارائه دهد (فیض پور و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۲۴). مطالعات انجام گرفته با این روش در ایران شامل مطالعات اصغر طلامینائی (۱۳۵۳)، نوربخش (۱۳۵۶)، صدرالدین (۱۳۵۹)، بیدآبادی (۱۳۶۲)، فاطری (۱۳۶۴)، بهشتی (۱۳۶۵)، فضیلتی (۱۳۶۹)، قاسمی (۱۳۶۳)، پیراسته (۱۳۷۱)، بحرانی (۱۳۶۵)، زمان ابادی (۱۳۶۶)، طغرالجردی (۱۳۷۱)، استادی (۱۳۶۹)، رضانی (۱۳۷۶)، اسلامی (۱۳۷۲)، دهکردی (۱۳۷۳)، شوهانی (۱۳۷۸)، سایه میری (۱۳۷۳)، ضرابی (۱۳۷۵)، محمودی و فیض پور (۱۳۷۶)، فریدونی (۱۳۷۹) می باشد که به صورت پایان نامه، طرحهای پژوهشی و مقاله انجام گرفته است.

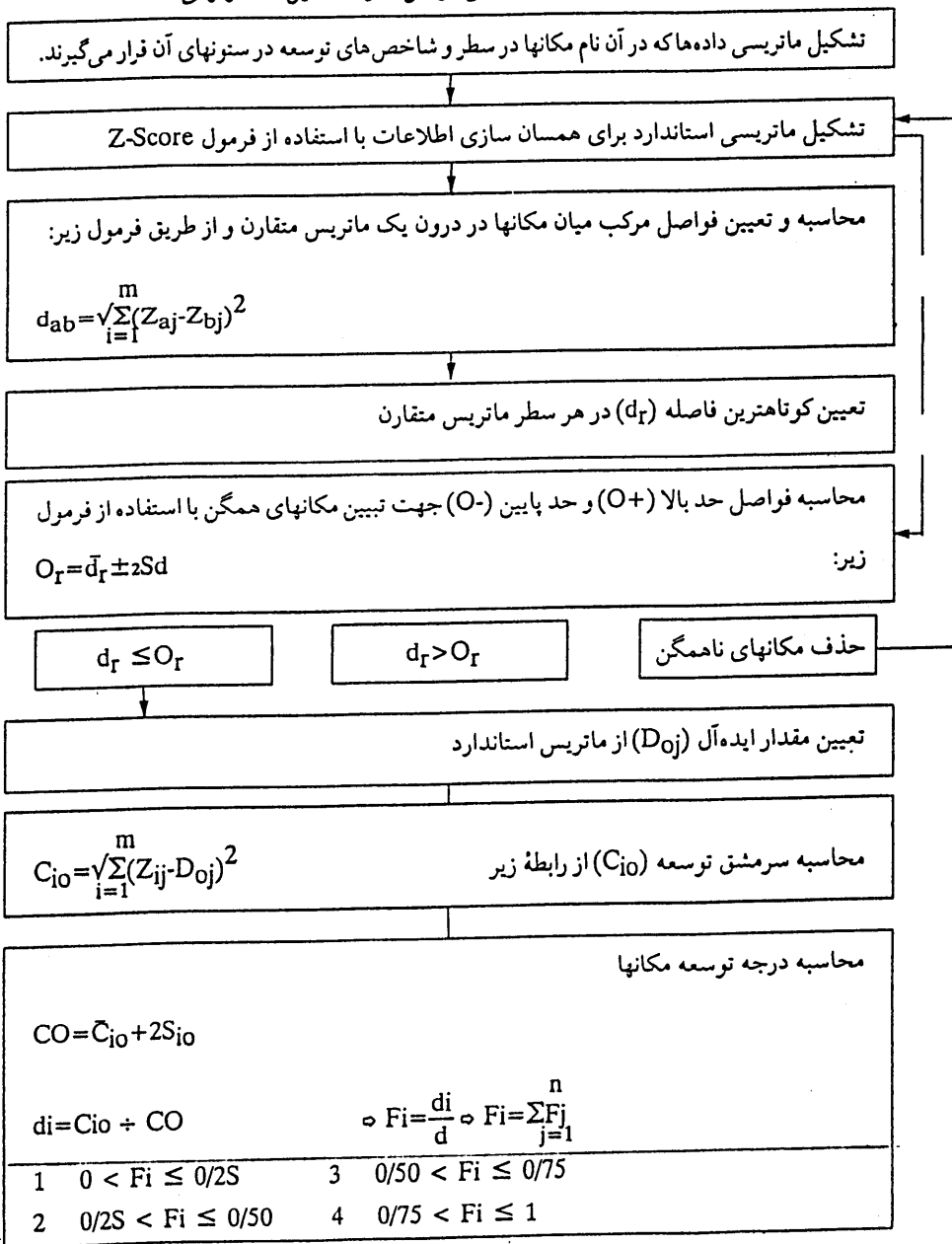
مطالعات مشرفی (۱۳۷۸، ص ۱۰) در زمینه درجه بندی سطح توسعه یافتگی استانهای کشور نشان می دهد که اولاً استانها از لحاظ درجه توسعه یافتگی برابر نیستند. ثانیاً هر یک از استانها با گذشت زمان جایگاه متفاوتی از حیث توسعه یافتگی داشته اند. وی در مطالعه خود استانها را به سه گروه طبقه بندی می کند. گروه اول شامل استانهای تهران، فارس و اصفهان که در سه دوره سرشماری قبل جایگاه خود را حفظ کرده اند. گروه دوم استانهایی هستند که در طی چند دهه گذشته به رتبه های بالاتر ارتقاء یافته اند، مانند کرمان، ایلام و زنجان و گروه سوم استانهایی هستند که در طول این مدت به رتبه های پایین تر سقوط کرده اند مانند کرمانشاه، مرکزی و کردستان.

بطور کلی پژوهشهایی که در زمینه استفاده از تحلیل تاکسونومی در تعیین درجه توسعه یافتگی استانهای کشور و یا شهرستانها و دهستانهای یک استان انجام شده بیشتر جنبه توصیفی داشته و فاقد تحلیل آنهم تحلیل جغرافیایی می باشند. در این مطالعات بیشتر به توصیف وضع موجود پرداخته شده و استانها را درجه بندی کرده اند. در حالیکه لازم است به تحلیل این وضع با توجه به عوامل مختلف و همچنین به تحلیل مکانی و جغرافیایی آن پرداخته شود. امتیاز پژوهش حاضر نسبت به مطالعات قبلی هم مربوط به جامعیت و تنوع شاخصهای مورد استفاده (شهری و روستایی) و هم تحلیل مکانی - جغرافیایی آن می باشد.

۵- مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحلیل تاکسونومی

تحلیل تاکسونومی دارای چند مرحله به هم پیوسته می باشد که به صورت نمودار زیر ارائه شده است:

نمودار شماره ۱- شمای گردش مراحل اجرای تحلیل تاکسونومی



۶- شاخص های مورد استفاده

برای سنجش درجه توسعه یافتگی استانهای کشور در چهار بخش ارتباطات، آموزش، مسکن و ساختمان، و بهداشت و درمان از ۲۴ شاخص استفاده شده که عناوین آنها به شرح زیر می باشد:

بخش آموزش

X_۱ = نسبت جمعیت دانش آموز دوره ابتدایی به کل افراد لازم التعلیم ۱۰ - ۶ ساله

X_۲ = نسبت جمعیت دانش آموز دوره راهنمایی به کل افراد لازم التعلیم ۱۳ - ۱۱ ساله

X_۳ = نسبت جمعیت دانش آموز دوره دبیرستان به کل افرادی لازم التعلیم ۱۷ - ۱۴ ساله

X_۴ = میزان باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر

X_۵ = تعداد کتابخانه های عمومی به نسبت جمعیت

X_۶ = تعداد کتابهای موجود در کتابخانه های عمومی به نسبت جمعیت

بخش مسکن و ساختمان

X_۱ = نسبت واحدهای مسکونی دارای مصالح غالب بادوام به کل واحدهای مسکونی

X_۲ = نسبت واحدهای مسکونی برخوردار برق نسبت به کل واحدهای مسکونی

X_۳ = نسبت واحدهای مسکونی برخوردار از آب لوله کشی به کل واحدهای مسکونی

X_۴ = نسبت واحدهای مسکونی دارای گاز لوله کشی به کل واحدهای مسکونی

X_۵ = نسبت واحدهای مسکونی دارای کولر نسبت به کل واحدهای مسکونی

X_۶ = نسبت واحدهای مسکونی دارای امکانات و تسهیلات حرارت مرکزی یا شوفاژ به

کل واحدهای مسکونی

بخش ارتباطات و مخابرات

X_۱ = تعداد شماره تلفن به ازای هر صد نفر جمعیت (ضریب نفوذ تلفن)

X_۲ = نسبت تلفن همراه به ازای هر هزار نفر جمعیت

- X۳ = نسبت دفاتر پستی شهری و روستایی بازای هر صد هزار نفر جمعیت
 X۴ = نسبت روستاهای دارای دفاتر پستی به کل روستاهای بالای بیست خانوار
 X۵ = نسبت نقاط روستایی دارای ارتباط تلفنی به کل روستاهای بالای بیست خانوار
 X۶ = نسبت نقاط دارای کد بین شهری به تعداد شهرها و روستاهای بالای بیست خانوار

بخش بهداشت و درمان

- X۱ = تعداد پزشکان متخصص به ازاء هر هزار نفر جمعیت
 X۲ = تعداد تخت بیمارستان به ازاء هر ده هزار نفر جمعیت
 X۳ = تعداد دندانپزشکان به ازاء هر صد هزار نفر جمعیت
 X۴ = تعداد مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق شهری و روستایی به ازاء هر ده هزار نفر

جمعیت

- X۵ = درصد جمعیت روستایی تحت پوشش خانه‌های بهداشت روستایی
 X۶ = تعداد داروخانه‌ها به ازاء هر ده هزار نفر

پژوهش حاضر نسبت به پژوهشهای گذشته علاوه بر اینکه دارای شاخص‌های بیشتری است، از خصوصیت تنوع و جامعیت شاخصها نیز برخوردار است. چهار بخش مختلف در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. شاخصهای مورد استفاده هم مربوط به نواحی و هم مربوط به نواحی روستایی است و می‌تواند انعکاس قابل قبولی از کلیت استانها ارائه دهد. به هر حال از این جنبه نیز این پژوهش شهری نسبت به کارهای دیگران جدیدتر و کاملتر است.

۷- یافته‌ها

یافته‌های نهایی حاصل اجرای تحلیل تاکسونومی بر روی داده‌های مربوط به ۲۴ شاخص مورد استفاده به تفکیک استانها کشور در جدولهای ۱ و ۲ و نقشه‌های ۱ تا ۴ نشان داده شده است. در این جدولها و نقشه‌ها درجه و رتبه توسعه یافتگی روستاها به تفکیک بخشهای آموزش، بهداشت و درمان، مسکن و ساختمان و ارتباطات مشخص است.

جدول شماره ۱: درجه و رتبه توسعه یافتگی استانهای کشور در بخشهای مختلف - ۱۳۷۵

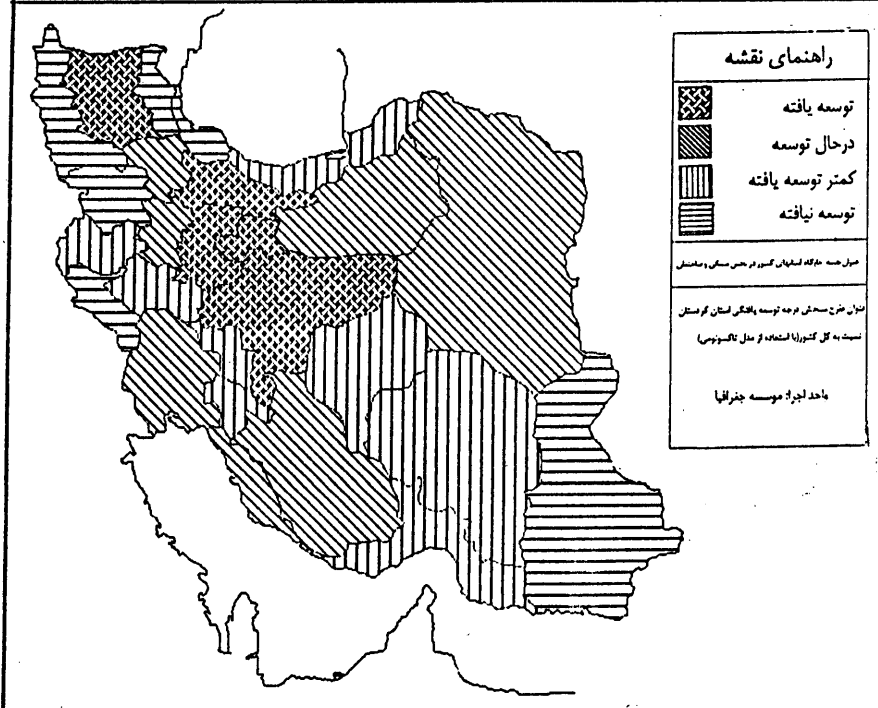
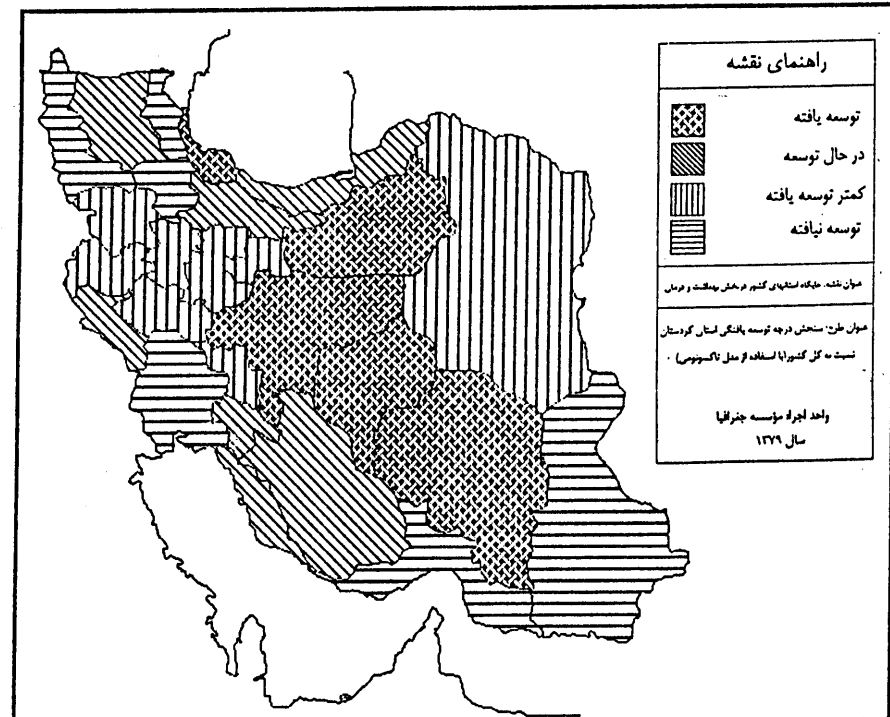
ردیف	استان	آموزش		بهداشت و درمان		مسکن		ارتباطات	
		رتبه	درجه	رتبه	درجه	رتبه	درجه	رتبه	درجه
۱	آ - شرقی	۹	۰/۵۳۰	۷	۰/۷۱۴	۴	۰/۶۳۲	۱۰	۰/۷۳۱
۲	آ - غربی	۲۵	۰/۹۱۰	۲۲	۰/۸۶۱	۲۲	۰/۷۹۸	۲۶	۰/۷۶۷
۳	اردبیل	۱۶	۰/۶۰۰	۲۶	۰/۹۳۹	۲۴	۰/۸۱۲	۲۲	۰/۸۳۴
۴	اصفهان	۴	۰/۴۳۰	۳	۰/۵۹۲	۲	۰/۵۶۲	۴	۰/۵۵۳
۵	ایلام	۷	۰/۲۷۶	۶	۰/۶۹۰	۲۳	۰/۸۰۲	۱۱	۰/۷۳۲
۶	بوشهر	۳	۰/۴۱۶	۹	۰/۷۲۵	۱۲	۰/۷۳۲	۶	۰/۷۳۲
۷	تهران	۲۳	۰/۸۱۲	۸	۰/۷۲۵	۱	۰/۱۰۳	۲	۰/۴۸۹
۸	چهارمحال و بختیاری	۸	۰/۴۹۸	۱۳	۰/۷۵۴	۱۸	۰/۷۷۳	۸	۰/۷۱۸
۹	خراسان	۲۱	۰/۶۱۹	۱۹	۰/۸۲۲	۷	۰/۶۹۲	۱۳	۰/۷۵۲
۱۰	خوزستان	۱۹	۰/۶۱۵	۲۱	۰/۸۴۹	۱۰	۰/۷۲۵	۱۸	۰/۸۱۶
۱۱	زنجان	۱۴	۰/۵۷۴	۲۳	۰/۸۸۲	۱۱	۰/۷۲۵	۷	۰/۷۰۱
۱۲	سمنان	۲	۰/۳۸۲	۱	۰/۲۹۸	۸	۰/۶۹۳	۳	۰/۵۳۴
۱۳	سیستان و بلوچستان	۲۶	۰/۹۹۹	۲۵	۰/۹۰۱	۲۶	۰/۸۸۸	۱۷	۰/۸۰۷
۱۴	فارس	۱۰	۰/۵۴۰	۱۲	۰/۷۴۶	۶	۰/۶۸۵	۲۱	۰/۸۳۲
۱۵	قم	۲۲	۰/۶۵۰	۱۷	۰/۷۷۸	۳	۰/۶۲۱	۵	۰/۶۰۸
۱۶	کردستان	۲۴	۰/۸۳۰	۱۵	۰/۷۶۹	۲۱	۰/۷۹۲	۲۳	۰/۸۳۷
۱۷	کرمان	۶	۰/۴۹۰	۴	۰/۶۸۴	۱۷	۰/۷۶۸	۱۶	۰/۷۹۱
۱۸	کرمانشاه	۱۵	۰/۶۰۰	۱۶	۰/۷۷۶	۲۰	۰/۷۸۴	۲۴	۰/۸۳۷
۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۱۳	۰/۵۶۰	۱۱	۰/۷۴۳	۱۶	۰/۷۶۴	۲۵	۰/۸۶۳
۲۰	گیلان	۱	۰/۲۹۹	۵	۰/۶۸۸	۲۵	۰/۸۲۳	۱۴	۰/۷۵۲
۲۱	لرستان	۱۷	۰/۶۰۰	۲۰	۰/۸۴۵	۱۹	۰/۷۸۳	۱۹	۰/۸۲۹
۲۲	مازندران	۱۱	۰/۵۴۰	۱۰	۰/۷۴۳	۱۴	۰/۷۴۲	۱۵	۰/۷۸۱
۲۳	مرکزی	۱۲	۰/۵۵۰	۱۴	۰/۷۶۴	۵	۰/۶۷۵	۱۲	۰/۷۴۹
۲۴	هرمزگان	۱۸	۰/۶۰	۲۴	۰/۸۵۶	۱۵	۰/۷۵۴	۹	۰/۷۲۷
۲۵	همدان	۲۰	۰/۶۱۶	۱۸	۰/۷۹۵	۹	۰/۷۲۳	۲۰	۰/۸۳۰
۲۶	یزد	۵	۰/۴۴۰	۲	۰/۵۵۴	۱۳	۰/۷۳۴	۱	۰/۳۴۴

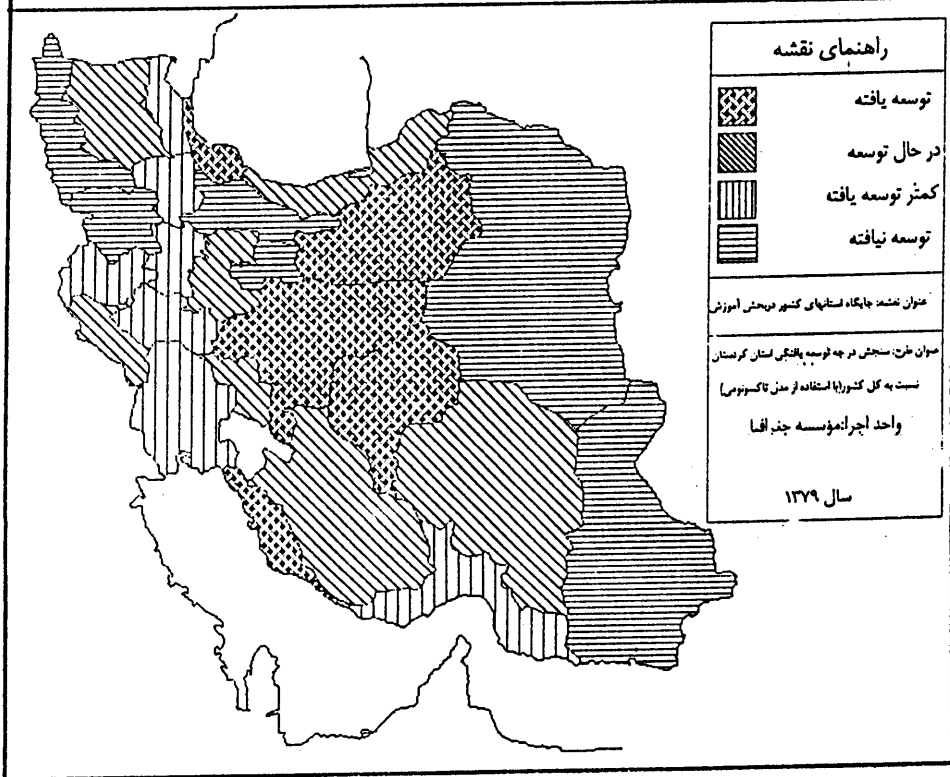
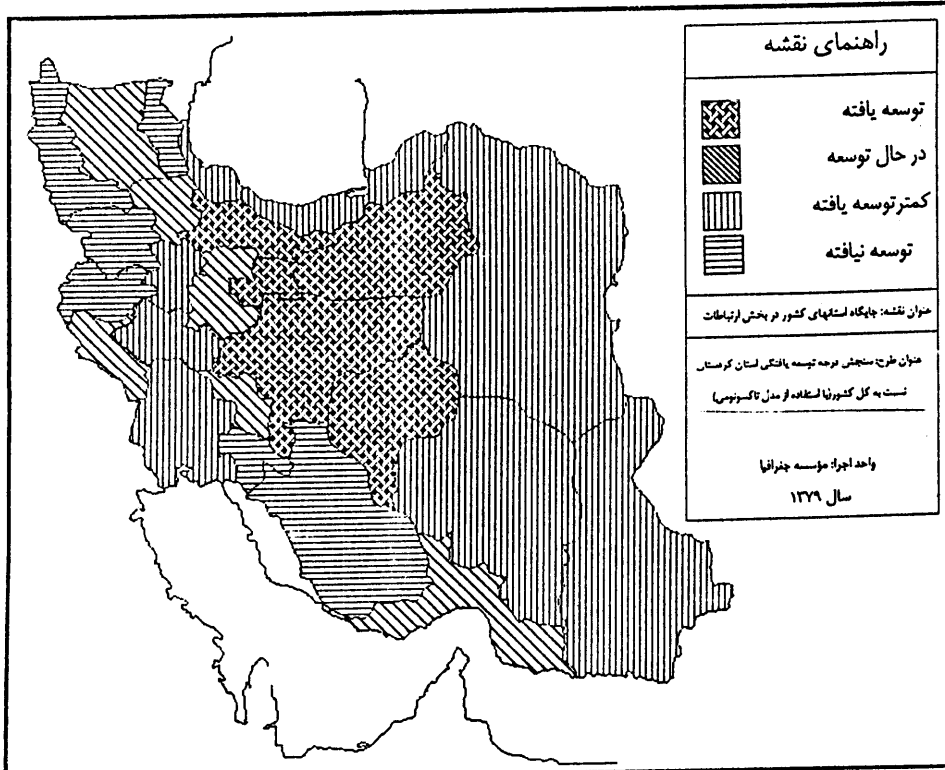
مأخذ داده‌های خام: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن استانهای کشور در سال ۱۳۷۵. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۷۸. وزارت پست و تلگراف و تلفن، ۱۳۷۸. سازمان برنامه و بودجه استانهای قزوین، قم، کردستان، گلستان، ۱۳۷۷

جدول شماره ۲: جایگاه استانهای کشور نسبت به یکدیگر از لحاظ توسعه یافتگی

در بخشهای مختلف - ۱۳۷۵

رتبه توسعه	آموزش	بهداشت و درمان	مسکن	ارتباطات
۱	گیلان	سمنان	تهران	یزد
۲۰	سمنان	یزد	اصفهان	تهران
۳	بوشهر	اصفهان	قم	سمنان
۴	اصفهان	کرمان	آذربایجان شرقی	اصفهان
۵	یزد	گیلان	مرکزی	قم
۶	ایلام	ایلام	فارس	بوشهر
۷	کرمان	آذربایجان شرقی	خراسان	زنجان
۸	چهارمحال و بختیاری	تهران	سمنان	چهارمحال و بختیاری
۹	آذربایجان شرقی	بوشهر	همدان	هرمزگان
۱۰	فارس	مازندران	خوزستان	آذربایجان شرقی
۱۱	مازندران	کهگیلویه و بویراحمد	زنجان	ایلام
۱۲	مرکزی	فارس	بوشهر	مرکزی
۱۳	کهگیلویه و بویراحمد	چهارمحال و بختیاری	یزد	خراسان
۱۴	زنجان	مرکزی	مازندران	گیلان
۱۵	کرمانشاه	کردستان	هرمزگان	مازندران
۱۶	اردبیل	کرمانشاه	کهگیلویه و بویراحمد	کرمان
۱۷	لرستان	قم	کرمان	سیستان و بلوچستان
۱۸	هرمزگان	همدان	چهارمحال و بختیاری	خوزستان
۱۹	خوزستان	خراسان	لرستان	لرستان
۲۰	همدان	لرستان	کرمانشاه	همدان
۲۱	خراسان	خوزستان	کردستان	فارس
۲۲	قم	آذربایجان غربی	آذربایجان غربی	اردبیل
۲۳	تهران	زنجان	ایلام	کردستان
۲۴	کردستان	هرمزگان	اردبیل	کرمانشاه
۲۵	آذربایجان غربی	سیستان و بلوچستان	گیلان	کهگیلویه و بویراحمد
۲۶	سیستان و بلوچستان	اردبیل	سیستان و بلوچستان	آذربایجان غربی





نتیجه:

درجه بندی استانهای کشور از لحاظ توسعه یافتگی با تحلیل تاکسونومی نشان داد که تفاوت‌های زیادی بین استانهای کشور وجود دارد. در بخش آموزش، درجه توسعه یافتگی از ۰/۲۹۹ در استان گیلان (بالاترین درجه) تا ۰/۹۹۹ در استان سیستان و بلوچستان (پایین ترین درجه) لوسان دارد. در واقع درجه توسعه یافتگی استان گیلان حدود ۳/۳۴ برابر استان سیستان و بلوچستان است. تفاوت بین سطح توسعه در بخشهای بهداشت و درمان، ارتباطات و مسکن به ترتیب ۳/۱۵، ۲/۲۳ و ۸/۶۲ برابر است. توزیع مکانی درجه توسعه یافتگی در بخش آموزش نشان دهنده واقعیات جغرافیایی در این زمینه است. در بین استانهای دارای رتبه بیش از ۲۱، استانهای مرزی و حاشیه ای کردستان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان و خراسان و همچنین استانهای مرکزی پر جمعیت تهران و قم قرار دارند. در بین استانهای دارای رتبه ۱ تا ۶، استانهای مرزی اسلام و بوشهر با جمعیت کم، استانهای غیرمرزی یزد و سمنان با جمعیت کم و استانهای غیر مرزی گیلان و اصفهان دیده می شوند. در این زمینه می توان گفت تعداد جمعیت بویژه تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ، موقعیت جغرافیایی و رونق اقتصادی در این زمینه نقش اساسی دارند. در استانهای سمنان، بوشهر، ایلام و یزد پایین بودن تعداد جمعیت و فقدان شهرهای بزرگ، در استانهای گیلان و اصفهان موقعیت مناسب و رونق اقتصادی، در استانهای سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان و خراسان موقعیت مرزی و در استانهای تهران و قم بالا بودن تراکم جمعیت بویژه در شهرهای بزرگ نقش موثری در تعیین سطح توسعه یافتگی آنها در زمینه آموزش دارد.

در بخش بهداشت و درمان، استانهای دارای رتبه بیش از ۲۰ همگی بجز استان زنجان موقعیت مرزی و حاشیه‌ای و استانهای دارای رتبه ۱ تا ۶ دارای جمعیت اندک (سمنان و ایلام) و یا موقعیت غیرمرزی و مرکزی هستند. بنابراین تعداد و

تراکم جمعیت، سطح کلی توسعه یافتگی و موقعیت جغرافیایی از عوامل مهم تاثیر گذار در تعیین سزطح توسعه یافتگی در زمینه بهداشت و درمان هستند. در زمینه ارتباطات استانهای دارای رتبه بیش از ۲۰ (بجز استان فارس) دارای موقعیت مرزی و حاشیه ای و استانهای دارای رتبه ۱ تا ۶ (بجز استان بوشهر) استانهای مرکزی و توسعه یافته کشور هستند. در بین استانهای توسعه یافته در زمینه ارتباطات، علاوه بر استانهای کم جمعیت سمنان و یزد، استانهای پر جمعیت تهران، اصفهان و قم نیز دیده می شوند. بنابراین بنظر می رسد که تعداد و تراکم جمعیت در این زمینه نقشی ندارد. و سطح کلی توسعه یافتگی در همه ابعاد و موقعیت جغرافیایی عوامل اصلی تاثیر می باشند.

در بخش مسکن و ساختمان تفاوت در سطح توسعه یافتگی مناطق بیشتر از دیگر بخشها است. سطح کلی توسعه یافتگی استانها در همه ابعاد، موقعیت جغرافیایی (حاشیه ای و مرکزی) و نسبت جمعیت روستایی عوامل تأثیر گذار است. بجز استان گیلان که به دلیل بالا بودن نسبت جمعیت روستایی در آن دارای رتبه ۲۵ است، سایر استانهای دارای رتبه بیش از ۲۰، همگی استانهای محروم کشور و دارای موقعیت مرزی و حاشیه ای هستند. استانهای دارای رتبه ۱ تا ۶ دارای ویژگی غیرمرزی و حاشیه (بجز استان آذربایجان شرقی)، برخوردار از شهرهای بزرگ و نسبت زیاد جمعیت شهری و همچنین دارای خصوصیت توسعه یافتگی هستند.

الگوی توسعه یافتگی در این بخش با سایر بخشها متفاوت است. در این بخش تراکم جمعیت بویژه نسبت زیاد جمعیت شهری و داشتن شهرهای بزرگ میلیونی نقش مثبتی در شاخصهای توسعه مسکن دارد. همچنین سطح کلی توسعه یافتگی بویژه از لحاظ اقتصادی و درآمد در این زمینه تاثیر گذار هستند. تفاوت الگوی توسعه یافتگی بخش مسکن با سایر بخشها به این دلیل است که توسعه این بخش

عمدتاً متکی به مردم و بخش خصوصی است و به همین دلیل رونق و رفاه اقتصادی نقش تعیین کننده در آن دارند، در حالیکه در دیگر بخشها با توجه به شاخصهای مورد بررسی، دولت و بودجه های دولتی نقش اساسی بعهده دارند.

در مجموع تفاوت در سطح توسعه یافتگی استانهای کشور را می توان با عواملی مانند موقعیت جغرافیایی (حاشیه ای و مرکزی)، تعداد جمعیت، نسبت جمعیت شهری و روستایی، وجود شهرهای بزرگ میلیونی و فاصله از مرکز کشور توجیه نمود. همچنین تفاوت در سطح توسعه یافتگی استانهای کشور را می توان با نظریه مرکز - پیرامون تفسیر کرد، بدین ترتیب که مناطق و استانهایی از کشور نقش هسته و مناطق و استانهایی نیز نقش حاشیه و پیرامون دارند. روابط بین مناطق نیز در زمینه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که منجر به عدم تعادل و توازن بین مناطق می گردد براساس روابط مرکز - پیرامون قابل تحلیل و تفسیر است.

به هر حال تفاوت در سطح توسعه یافتگی استانهای کشور یک واقعیت است، و باید اقدامات لازم حداقل در جهت تعدیل و کاهش نابرابریها انجام شود. همچنین با توجه به این مطلب که درجه و رتبه توسعه یافتگی هر استان در بخشهای مختلف با یکدیگر متفاوت است، این موضوع مشخص است که اولویت توسعه هر استان با استانهای دیگر فرق دارد. با توجه به همین موضوع، اولویت توسعه استانهای کشور در بخشهای مورد مطالعه به شرح ذیل جدول ۳ پیشنهاد می شود.

جدول شماره ۳ اولویت توسعه استانهای کشور در بخشهای مختلف - ۱۳۷۵

ردیف	استان	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	اولویت چهارم
۱	آذربایجان شرقی	ارتباطات	آموزش	بهداشت و درمان	مسکن و ساختمان
۲	آذربایجان غربی	ارتباطات	آموزش	بهداشت و درمان	مسکن و ساختمان
۳	کردستان	بهداشت و درمان	مسکن	ارتباطات	آموزش
۴	اصفهان	ارتباطات	آموزش	بهداشت و درمان	مسکن و ساختمان
۵	ایلام	مسکن و ساختمان	ارتباطات	آموزش	بهداشت و درمان
۶	بوشهر	مسکن و ساختمان	بهداشت و درمان	ارتباطات	آموزش
۷	تهران	آموزش	بهداشت و درمان	ارتباطات	مسکن و ساختمان
۸	چهارمحال و بختیاری	مسکن و ساختمان	بهداشت و درمان	آموزش	ارتباطات
۹	خراسان	آموزش	بهداشت و درمان	ارتباطات	مسکن و ساختمان
۱۰	خوزستان	بهداشت و درمان	آموزش	ارتباطات	مسکن و ساختمان
۱۱	زنجان	بهداشت و درمان	آموزش	مسکن و ساختمان	ارتباطات
۱۲	سمنان	مسکن و ساختمان	ارتباطات	آموزش	بهداشت و درمان
۱۳	سیستان و بلوچستان	آموزش	مسکن و ساختمان	بهداشت و درمان	ارتباطات
۱۴	فارس	ارتباطات	بهداشت و درمان	آموزش	مسکن و ساختمان
۱۵	قم	آموزش	بهداشت و درمان	ارتباطات	مسکن و ساختمان
۱۶	کردستان	آموزش	ارتباطات	مسکن و ساختمان	بهداشت و درمان
۱۷	کرمان	مسکن و ساختمان	ارتباطات	آموزش	بهداشت و درمان
۱۸	کرمانشاه	ارتباطات	مسکن و ساختمان	بهداشت و درمان	آموزش
۱۹	کهگیلویه	ارتباطات	مسکن و ساختمان	آموزش	بهداشت و درمان
۲۰	گیلان	مسکن و ساختمان	ارتباطات	بهداشت و درمان	آموزش
۲۱	لرستان	بهداشت و درمان	ارتباطات	مسکن و ساختمان	آموزش
۲۲	مازندران	ارتباطات	مسکن و ساختمان	آموزش	بهداشت و درمان
۲۳	مرکزی	بهداشت و درمان	آموزش	ارتباطات	مسکن و ساختمان
۲۴	هرمزگان	بهداشت و درمان	آموزش	مسکن و ساختمان	ارتباطات
۲۵	مدان	ارتباطات	آموزش	بهداشت و درمان	مسکن و ساختمان
۲۶

منابع:

- ۱- آسایش، حسین. اصول و روشهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۶.
- ۲- سازمان برنامه و بودجه استان قزوین، آمارنامه استان قزوین، ۱۳۷۷.
- ۳- سازمان برنامه و بودجه استان قم، آمارنامه استان قم، ۱۳۷۷.
- ۴- سازمان برنامه و بودجه استان کردستان، آمارنامه استان کردستان، ۱۳۷۷.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه استان گلستان، آمارنامه استان گلستان، ۱۳۷۷.
- ۶- شوهانی، نادر. تحلیلی بر پتانسیلها و محرومیت‌های استان ایلام (با استفاده از مدل تاکسونومی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۷- فیض پور، محمد علی و دیگران. تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق استان یزد، نشریه علمی - خبری دانشگاه شاهد، شماره ۸- ۷، ۱۳۷۴.
- ۸- مرکز آمار ایران، سالنامه کشور در سال ۱۳۷۸.
- ۹- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن استانهای کشور در سال ۱۳۷۵ (به تفکیک در استان)
- ۱۰- وزارت پست و تلگراف و تلفن، ارتباطات در انقلاب اسلامی، نگاهی به ۲۵ سال تلاش و سازندگی در وزارت پست و تلگراف و تلفن، ۱۳۷۸.